

Psychological Analysis of “ISIS” Personality in “the Bird Tattoo” Novel Based on the Personality Theory of Alfred Adler

Mostafa Parsaeipour^{1*}, Leila Sadeghi Naghdeali^{2*}

^{1*} Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

² Ph.D Student, Department of Arabic Language and Literature, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

Article Info ABSTRACT

Article type: Austrian Alfred Adler strengthened personality analysis by presenting the theory of individual psychology. Adler does not consider human a separate unit and studies a person's personality affected by social context. The most important concepts of this theory are humiliation and compensatory mechanism, superiority complex, mass communication, life style, creative self and social interest. The main goal of the present study is to analyze “ISIS” personality in “the Bird Tattoo” novel by “Dunya Mikhail” based on the mentioned theory and using an analytical-descriptive approach. The most important achieved results show that among the four discussed life styles by Adler, the ISIS life style falls into the first category, that is the “dominant type” which lacks social interest. In fact, by taking this apparently Islamic life style and ignoring other people in the society and attacking them, ISIS tries to reach its main goal which is the Islamic caliphate. Factors such as feeling jealous or fear, lacking empathy with others, not having social interest and the tendency towards violence and sadism play a role in forming ISIS terrorist group and their raging dominance. This violent tendency and enjoying from it are heavily promoted and intensified by modern media, formal training and socialization of forces and reflect a special and exclusive life style resulted from their personality bases.

Received:

26/05/2023

Accepted:

09/10/2023

Keywords: Personality Theory, Alfred Adler, ISIS, the Bird Tattoo, Dunya Mikhail.

Cite this article: Parsaeipour, Mostafa Sadeghi Naghdeali, Leila., Ghahremani. (2024) *Psychological Analysis of “ISIS” Personality in “the Bird Tattoo” Novel Based on the Personality Theory of Alfred Adler*, Vol. 16, New Series., No.57, Autumn 2024: pages:22-44.



DOI: 10.30479/lm.2023.18838.3548

© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Mostafa Parsaeipour

Address: Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

E-mail: parsaeipour@HUM.ikiu.ac.ir

تحلیل روان‌شناختی شخصیت "داعش" در رمان "وشم الطائر" بر اساس نظریه شخصیت

آلفرد آدلر

مصطفی پارسایی‌پور^۱، لیلا صادقی نقدعلی^۲

^۱ استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

^۲ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۲/۰۳/۰۵

پذیرش:

۱۴۰۲/۰۸/۱۸

از جمله روان‌شناسانی که به مقوله شخصیت پرداخته است، آلفرد آدلر، بنیان‌گذار مکتب شخصیت‌شناسی فردنگر است. وجه تمایز این نظریه نسبت به نظریات پیشین، آن است که آدلر انسان را واحدی مجزا نمی‌انگارد؛ بلکه شخصیت فرد را در بافت اجتماعی بررسی می‌کند. هدف اصلی نوشتار حاضر، تحلیل شخصیت "داعش" در رمان "وشم الطائر" اثر "دنیا میخائیل" بر اساس نظریه مذکور و با رویکرد توصیفی-تحلیلی است. مهم‌ترین نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که سبک زندگی داعش از بین چهار سبک مطروحه از سوی آدلر، در دسته‌بندی اول یعنی «تیپ سلطه‌جو» و فاقد علاقه اجتماعی قرار می‌گیرد. مشی داعش با این سبک زندگی به‌ظاهر اسلامی و بی‌تفاوت به «دیگری» بلکه مهاجم به غیر، درصدد رسیدن به غایت اصلی یعنی سلطه همه‌جانبه تحت تسمیه خلافت اسلامی است. عواملی همچون احساس حسادت یا ترس، عدم همدلی و علاقه اجتماعی با دیگران، میل به خشونت و دگرآزاری در شکل‌گیری و سلطه‌گستری خروشان ناک گروه تروریستی داعش نقش داشته و این خشونت‌گرایی و لذت‌جویی از آن، از طریق به‌کارگیری رسانه‌های نوین، آموزش‌های رسمی و جامعه‌پذیری نیروها به‌شدت ترویج و تشدید می‌یابد و سبک زندگی انحصاری و ویژه‌ای، ناشی از زمینه‌های شخصیتی وی را به نمایش می‌گذارد.

واژگان کلیدی: نظریه شخصیت، آلفرد آدلر، داعش، رمان وشم الطائر، دنیا میخائیل.

استناد: پارسایی‌پور، مصطفی؛ صادقی نقدعلی، لیلا. (۱۴۰۳). تحلیل روان‌شناختی شخصیت "داعش" در رمان "وشم الطائر" بر اساس نظریه شخصیت آلفرد آدلر، سال شانزدهم، دوره جدید، شماره پنجاه و هفتم، پاییز ۱۴۰۳: ۴۴-۲۲.



DOI: 10.30479/Im.2023.18838.3548

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام‌خمینی (ره) حق مؤلف © نویسندگان.

۱. مقدمه

بررسی مفهوم شخصیت و ماهیت روان‌شناختی انسان از موضوعات اصلی در علم روان‌شناسی است و توجه روان‌شناسان به این مقوله، نظریه‌های متعددی در حوزه شخصیت به دست داده است. هر روان‌شناسی درصدد توصیف الگوهای متفاوتی از شخصیت است تا به چستی و چرایی تفاوت شخصیت انسان‌ها دست یابد. از دیدگاه علم روان‌کاوی که توسط زیگموند فروید^۱ بنا شد، تجربه‌ها و رویدادهای ابتدای دوران کودکی، ذهن ناخودآگاه و غریزه جنسی بر شخصیت و نحوه رشد و شکل‌گیری آن مؤثر است. اریک اریکسون^۲، کارل یونگ^۳، آلفرد آدلر^۴ و کارن هورنای^۵ روان‌شناسان «نئوفرویدی» شاگردان فروید و پیرو مکتب فرویدی‌اند. به‌دنبال ابراز دیدگاه‌های مخالف برخی از آن‌ها از جمله آدلر با نظریه‌های فروید در مسائلی همچون ذهن ناخودآگاه و غریزه جنسی، مکتبی جدیدی که آدلر آن را «روانشناسی فردی و تطبیقی»^۶ نامید، بنیان‌گذاری شد (Ansbacher and Ansbacher, 1956: 16 & 77). از جمله مهم‌ترین مفاهیم نظریه شخصیت‌شناسی فردنگری آدلر که در بررسی شخصیت‌ها حول محور آن‌ها می‌گردیم: احساس حقارت و مکانیسم جبران، عقده برتری، ارتباط جمعی، سبک زندگی، خود خلاق و علاقه اجتماعی است. این نظریه «فرد را به‌عنوان واحدی مجزا در نظر نمی‌گیرد؛ بلکه او را در بافت اجتماعی‌اش مورد بررسی قرار می‌دهد» (آدلر، ۱۹۹۶: ۱۱). آدلر معتقد است احساس حقارت، رانه اصلی تلاش فرد برای غلبه بر این حس ناخوشایند است که در عقده برتری بیان می‌گردد. فرد با در نظر گرفتن هدف‌های خیالی یا آرمانی، کنش‌های خود را در مسیر دستیابی به آن اهداف هدایت کرده و شیوه تلاش، سبک زندگی او را می‌سازد (نک، آدلر، ۱۳۷۹: ۵۵).

رابطه ادبیات و علم روان‌شناسی رابطه‌ای دوسویه است. چنان‌که برخی روان‌شناسان طبق مطالعه آثار ادبا به طرح نظریه خود دست یافته‌اند، برخی آثار ادبی نیز قابلیت و ظرفیت بررسی از منظر روان‌شناسی را داراست. در حوزه ادبیات داستانی، رمان شاخص‌ترین گونه‌ای است که به بازتاب مسائل و وقایع جامعه می‌پردازد. عنصر "شخصیت" عنصر ضروری رمان است و بدون آن معنا پیدا نمی‌کند. شخصیت روایی می‌تواند یک شخص، یک شکل، یک جسم بی‌جان، یک حیوان یا یک گروه باشد. دسته‌بندی‌های مختلفی از شخصیت در آثار ادبی صورت گرفته است. از جمله تقسیم‌بندی بر اساس کنشگری شخصیت در جریان داستان؛ نظیر شخصیت پویا، شخصیت ایستا، شخصیت آنتاگونیست، قهرمان و غیره (نک، سقال و القری، ۲۰۱۳: ۳-۷). در رمان "وشم الطائر" اثر دنیا میخائیل، شاعر و نویسنده عراقی، وی شخصیت داعش را به‌واسطه ایجاد نوعی انسجام شخصیتی ناشی از عملکردهای همسان همه افراد آن در حوزه‌های مختلف شخصیتی، ویژگی خاص بخشیده است و در قالب چهره و شخصیتی متمایز نمودار ساخته که نگارندگان کوشیده‌اند به‌واسطه تطبیق رویکرد آدلری آن را بازشناسند. شخصیت آنتاگونیستی داعش، گفتمانی

تضادمحور و کنشی دگرساز علیه مردمان تحت تصرف و شخصیت‌های "دیگر" رمان دارد. این گروه که پدیده‌ای بیرون‌آمده از بستر اجتماع و تحرکات جمعی ناشی از انباشت عقده‌های روانی و احساس حقارت است، با حس برتری‌جویی و خودحق‌پنداری و سبک زندگی ویژه خود، هدف خلافتی همه‌جانبه بر تمام جهان را در ذهن می‌پروراند. بدین ترتیب، هدف از این پژوهش بررسی شخصیت داعش از منظر روان‌شناسی فردنگر آلفرد آدلر است و با رویکرد توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخگویی به سؤالات زیر است:

- چگونه می‌توان بین نظریه شخصیت آلفرد آدلر و شخصیت داعش در رمان و شم الطائر ارتباط ایجاد کرد؟

- دنیا میخائیل، شخصیت داستانی "داعش" را، طبق نظریه آدلر، چگونه ترسیم کرده است؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

در زمینه نقد روان‌شناختی طبق نظریه آدلر پژوهش‌هایی صورت گرفته است که تنها یکی از محورهای نظریه، یعنی احساس حقارت، را پوشش می‌دهد:

- مقاله «تحلیل روان‌شناختی اشعار صعالمیک بر اساس مکتب آدلر» نوشته عرب و حق‌پناه، (۱۳۹۰) احساس حقارت و مکانیسم جبران صعالمیک و بازتاب آن را در اشعارشان بررسی می‌کند و به این نتیجه رسیده است که این شاعران با واکنش‌هایی همچون تمرد، شورش و شرارت و نیز در حوزه ادبیات با قانون‌شکنی‌ها و هنجارگریزی‌هایی مثل حذف تصریح درصدد پنهان‌کردن ضعف‌ها و کاستی‌ها و جلب توجه به وسیله قدرت بودند.

- احمدیان و میرزایی در مقاله «روان‌شناسی شخصیت "بشاربن برد" از رهگذر زندگی‌نامه و گزیده‌ای از اشعارش» (۱۳۹۱)، طبق نظریات روان‌شناسی آدلر، رانک و فروید به بررسی انگیزه‌ها و روحیات شاعر که در آفرینش شعری او مؤثر بوده، پرداخته‌اند و اغراض شعری وی (هجا، مدح و غزل) را به‌عنوان مکانیزم جبرانی برای رهایی از عقده‌ها و نقص‌های شاعر برشمرده و هجو او را تجاوز به حقوق دیگران، غزلیاتش را گویای لابیالی‌بودن او و فقر خانوادگی را، عامل سرایش مدایح دانسته‌اند.

- امیری و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «تحلیل روان‌شناختی هجویات حطیئه طبق نظریه آدلر و هورنای»، عوامل هجو حطیئه را بر اساس نظریه روان‌شناختی آدلر و هورنای بررسی کرده و هجو او را بازتاب مشکلات محیطی و انعکاس مشکلات روانی؛ از جمله احساس حقارت، تسلیم، پرخاشگری و گسستگی شخصیت دانسته‌اند.

- مقاله «بررسی و تحلیل شخصیت ابن‌رومی بر اساس نظریه عقده حقارت آدلر» نوشته مجیدی و همکاران، (۱۳۹۴)، عقده حقارت شخصیت ابن‌رومی را از خلال اشعارش تحلیل و بررسی کرده است.

این پژوهش خیال‌پردازی و تحقیر دیگران را دو مکانیسمی برشمرده که ابن‌رومی برای جبران احساس حقارت خود از آن استفاده کرده است.

- افخمی عقدا و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله خود «دراسة نفسیة لشخصیة عنترة في ضوء نظریة أدلر»، به بررسی احساس حقارت و سبک زندگی ویژه عنتره از منظر آدلر پرداخته‌اند. از نظر نگارندگان، آنچه عنتره را واداشته تا به اظهار شجاعت، کرامت و جنگاوری خود بپردازد، عقده حقارتی نبوده که آن را به وی نسبت داده‌اند؛ بلکه در احساس حقارتی نهفته است که از ویژگی‌های ذاتی انسان است و به ناتوانی طبیعی انسان در آغاز حیات برمی‌گردد.

- بهنام فارسی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «عقده حقارت در رمان "ما لا تذروه الیراح" با تکیه بر نظریه آدلر»، رمان مذکور را بر اساس نظریه آدلر پیرامون عقده حقارت و چگونگی پیدایش آن در "بشیر" قهرمان اصلی داستان و تأثیر سیاست‌های روانی استعمار بر مردم الجزایر بررسی کرده و به این نتیجه دست یافته‌اند که عقده حقارت نهفته در دل قهرمان داستان، در قالب رفتارهایی مانند هویت‌باختگی، تحقیر دیگران و تقلید نمود پیدا کرده است.

تعمق در پیشینه‌های یادشده، نشان می‌دهد تاکنون هیچ پژوهشی درباره شخصیت "داعش" طبق اصول این نظریه در متون روایی، به‌ویژه رمان "وشم الطائر"، صورت نگرفته است. از این رو جستار حاضر نخستین پژوهش در این راستا است.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. مفاهیم نظریه شخصیت آلفرد آدلر و تحلیل شخصیت داعش در رمان وشم الطائر بر اساس آن

آلفرد آدلر به‌جای استفاده از مفاهیمی چون ویژگی‌های ضمیر ناخودآگاه، صرف‌غریزه جنسی و تعارض فرویدی، از سبک زندگی که برای هر انسان منحصر به فرد است، صحبت کرد و از همین‌رو نام آن را روان‌شناسی فردنگر نامید.

نظریه آدلر در مورد شخصیت با روان‌شناسی هیأت‌نگر یا گشتالت مرتبط است؛ چرا که او برای تحلیل ساختار شخصیت بر کل منسجم و سازمان‌یافته فراتر از جزء تأکید می‌کند. به باور او تمامی جنبه‌های فرد حول یک هدف می‌چرخد؛ هدفی که در آینده وجود دارد و در حین کار، هماهنگ با یکدیگر و با جامعه بدان دست می‌یابد (نک، آدلر، ۲۰۰۵: ب: ۱۴).

در رویکرد روان‌شناسی فردنگر، کلمه "فرد" در تمایز هر شخص از دیگری به‌واسطه بی‌همتایی‌اش به کار می‌رود. این نظریه به کل غیرقابل‌تقسیم هر شخص اشاره دارد؛ هر شخص یک "تقسیم‌ناشدنی" است که به‌عنوان "موجودی کامل" عمل می‌کند (آدلر، الف: ۲۰۰۵: ۱۴). از نگاه آدلر "فرد" جوهری است

که با هنجارهای اجتماعی، خیالی، آرمانی و انتزاعی مقایسه شده و همین مقایسه نیز امکان رهیابی بهتری را در امر درمان بیماران روانی فراهم می‌آورد (شافه، ۱۳۵۱: ۱۰۰).

آدلر، انسان را موجودی اجتماعی، هدف‌دار، مسئول، خلاق و انتخاب‌گر می‌داند. رفتار ریشه در اهداف و سبک زندگی برگزیده دارد. وی، فرد را موجود یکپارچه‌ای می‌بیند که بدن و ذهنش با جنبه‌های اجتماعی، هیجانی، شناختی و محیطی به هم وابسته‌اند (آستاد، ۱۳۹۰: ۲۲۱). در دیدگاه آدلر، رفتار انسان زمینه اجتماعی دارد و فرد برای بقا و ادامه حیات خود ناگزیر از برقراری ارتباط متقابل با هم‌نوعانش است (Ansbacher and Ansbacher, 1956: 11). به باور آدلر آدمی همچنین مشتاق دستیابی به قدرت است (Adler, 1925: 3).

روان‌شناسی فردنگر، با موضوعیت معنادهی خودِ شخص به زندگی و هستی، ماهیتی وجودگرا یا اگزستانسیالیستی دارد که طبق آن تعالی وجود فرد از طریق انتخاب آزادانه و آگاهانه انجام می‌پذیرد. ارتباط فرد با افراد دیگر و برقراری علاقه اجتماعی بین افراد، معرفت هویت جمعی است که در رویکرد آدلر به چشم می‌خورد. آدلر، با قائل‌نبودن به تأثیر سرنوشت بر کنش‌های انسان، او را دارای اراده و اختیار، البته محدودشده توسط وراثت و محیط می‌داند.

نظریه شخصیت آدلر واجد مفاهیمی چند است که اصلی‌ترین آن‌ها بدین قرار است: ۱. احساس حقارت؛ ۲. عقده برتری؛ ۳. غایت‌نگری خیالی؛ ۴. ارتباط جمعی و علاقه اجتماعی؛ ۵. خود خلاق؛ ۶. سبک زندگی (نک. آدلر، ۲۰۰۵: ب: ۱۵). نگارندگان کوشیده‌اند با تحلیل نمونه‌های موجود در رمان، تجسم این مفاهیم را نشان دهند. نمونه‌های مورد بررسی، به‌طور خاص متمرکز بر داعش است که از ظرف زمانی (= سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ م) و مکانی (= عراق و سوریه) مشخصی فراتر نمی‌رود.

۲-۲. تحلیل شخصیت داعش در رمان وشم الطائر

۲-۲-۱. احساس حقارت (کهتری)^۷

یکی از مفاهیم اولیه نظریه آدلر که محور اصلی اندیشه وی را تشکیل می‌دهد، احساس حقارت است. او احساس حقارت را عامل اساسی و تعیین‌کننده در ساختمان شخصیت آدمی می‌داند. این احساس از بدو تولد همراه انسان بوده و او را به سمت پیشرفت سوق می‌دهد. آدلر ابتدا مفهومی کاملاً انتزاعی از احساس حقارت داشت که ریشه آن عمدتاً در عوامل درونی یا نقایص جسمانی بود، ولی بعدها این مفهوم را گسترده‌تر کرد؛ چرا که این احساس می‌تواند مرتبط با برخی از عوامل بیرونی چون؛ موقعیت‌های خانوادگی، جایگاه طبقاتی فرد یا برخوردهای تبعیض‌آمیز باشد (آدلر، ۲۰۰۵: ب: ۴۹). فرد برای غلبه بر

این احساس، می‌تواند دو حالت را تجربه کند: عقدهٔ حقارت^۷ یا جبران^۸ اول: در صورت ناتوانی فرد در چیره‌شدن بر عوامل احساس حقارت، این احساس تشدید شده و به پرورش عقدهٔ حقارت می‌انجامد (شولتز و شولتز، ۱۴۰۰: ۱۹۴). دوم: مکانیسم جبران که در واقع سرپوشی است برای جبران احساس حقارت، به فرد کمک می‌کند تا تعادل برهم‌خوردهٔ خویش را بازابد (منصور، ۱۳۴۳: ۳۱). به باور آدلر، احساس حقارت اگر از حد تجاوز نکند، سبب پیشرفت و ترقی آدمی است (Adler, 1929: Vii). از نگاه او عقدهٔ حقارت، بیماری روانی تلقی نمی‌شود؛ بلکه امری طبیعی است که با ارادهٔ شخص تکمیل گشته و در جهت بهبود و شکوفایی توانایی‌های خود می‌کوشد. این عقده، انگیزه و ارادهٔ فرد را برای یافتن مؤثرترین راه برای رفع کمبود برمی‌انگیزاند (آدلر، ۱۹۹۶: ۸). بر این اساس، آدلر بر محرک‌های درونی و بیرونی به‌عنوان علت‌های کنش فرد و تبیین رفتار او و تلاش شخص برای رسیدن به برتری تأکید دارد.

دنیا میخائیل، شاعر و نویسندهٔ عراقی، در رمان "وشم الطائر" شخصیت داعش را به‌واسطهٔ ایجاد نوعی انسجام شخصیتی ناشی از عملکردهای همسان و تکرارشونده در حوزه‌های مختلف شخصیتی، ویژگی خاص بخشیده و در قالب چهره و شخصیتی قابل‌ردیابی نمودار ساخته که می‌کوشیم به واسطهٔ تطبیق رویکرد برشمردهٔ آدلر آن را بازشناسیم.

اسباب احساس حقارت از نگاه آدلر را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: محیط، محرومیت از محبت و به‌خودرهاشدگی، کهتری واقعی بدنی یا روانی (شولتز و شولتز، ۱۴۰۰: ۱۹۴).

الف. محیط: از نظرگاه آدلر، در کنار "خودِ خلاق" و "وراثت"، محیط و بهره‌برداری از آن، یکی از مؤلفه‌های شناخت شخصیت و تعیین سبک زندگی او است (Ansbacher and Ansbacher, 1956: 19). مواردی از این دست، نشان از تأثیرپذیری اندیشهٔ تشکیل داعش از محیط پیرامون خود دارد. پس‌زدگی و تحقیر گروه‌های تکفیری نظیر داعش، از سوی اقشار مختلف جامعهٔ بومی و نیز بیگانگان غیربومی، به صورت عقده‌ای درونی در مواضع ایشان نمایان است. بنا بر متن رمان، داعش به‌عنوان یک شخصیت داستانی، مصرانه خود را از دیگر مردمان، فرقه‌ها و تشکل‌ها متمایز می‌داند. موضع‌گیری‌های سرسختانه و اظهارنظرهای مخالفت‌جویانهٔ داعش در برابر شیوهٔ دیگر گروه‌ها، حاکی از آن است که نسبت به مقولهٔ پس‌زدگی و ناپذیرفتگی از سوی اقشار مختلف جامعه و مخالفت گروه‌های مدنی، اجتماعات، احزاب و انجمن‌های مردمی آگاه است: «باقي أمم العالم تسير وراء المال فقط وهم يعملون مؤامرات لإضعاف المسلمين والقضاء عليهم» (میخائیل، ۲۰۲۰: ۱۷۸). با اتهام دیگران به دنیاپرستی و توطئه‌چینی دائمی برای آسیب‌رسانی و نابودی داعشیان، خود را تافتهٔ جداافتاده و البته مظلوم برمی‌شمرند. به‌زعم سرکردگان این تشکل، ایزدی‌های گُرد در "سنجار"، پس از اشغال عراق به دست آمریکایی‌ها قدرتمند می‌شوند، با ارتشی مستقل سیادت می‌کنند؛ اما داعش به‌باطل مدعی نمایندگی اسلام سنی - مظلوم واقع شده است و تمام محیط را

دشمن خود می‌بینند و حمله و حشیانه به مردم سنجار و کشتار و آوارگی ایشان، نشان این ستیز با محیط است: «سمع أهالي سنجار أصوات قصف عنيف... داعش وصلوا إلى قضاء سنجار وبعض الناس هربوا إلى الجبال» (همان: ۱۴۴ و ۱۴۵). داعش به‌رغم هم‌داستانی با دخالت‌گران غربی، عامل تحقیرگر دیگری در بستر جغرافیای پیدایشش را متهم می‌داند که با حضورش احساس سرشکستگی، خفت و عجز را تحمیل کرده است: «الدول الغربية تتدخل في العالم الإسلامي وتزرع فيه الخلافات والحروب. الاستعمار يقول قرق تسد ولكن دولتنا تحکم بالعدالة» (میخائیل، ۲۰۲۰: ۱۷۸).

طبق تأکيدات آدلر نمی‌توان به درک شخصیت نایل آمد؛ مگر آنکه اثر نیروهای فیزیولوژیکی و محرک‌های محیط فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی را پذیرفت (نک، آدلر، ۱۹۹۶: ۱۵). مشوق‌های محیطی سلبی و سرخوردگی روانی ناشی از به حاشیه رانده‌شدگی و نادیده‌انگاشته‌گی، عقده‌ای درونی در داعش ایجاد کرده و او را به تلاشی رقت‌انگیز برای اوج‌گیری، دیده‌شدن و جبران احساس حقارت خود واداشت.

ب. محرومیت از محبت: از جمله ملحق‌شدگان به این گروه، آزاردیدگان و تحقیرشدگان در جامعه‌اند که به حاشیه رانده شده‌اند و با پیوستن به داعش، خشم فروخته‌خویش را آشکار می‌سازند: «أنا عندي ثلاث زوجات، قال علي، الأخيرة مجاهدة حقيقية. تركت زوجها وانضمت إلينا. طلقت زوجها؟ سأل آزاد. كان يضربها كل يوم، أجاب علي، وبالرغم من ذلك لم يكن بإمكانها التخلص منه حتى انضمت إلى الدولة الإسلامية» (میخائیل، ۲۰۲۰: ۱۶۰). زن تحت آزار و خشونت همسرش بدون داشتن حق طلاق، چاره‌ای نمی‌بیند جز اینکه از شوهر بگریزد و به گمان واهی یافتن پشت‌پناهی، به داعشیان بپیوندد و با کنشی عاطفی و انگیزه روحی-روانی، پیوستن به این تشکل را منبع تسکین روحی خود بداند.

ج. کهنتری روانی: اندیشه‌های ناراست و باورهای برساخته و ادعایی مؤثر بر ساختار تشکل که موجب خودفربیی خودآگاهانه سردمداران و البته فریب‌خوردگی پیروان و فروخته‌شدگی ایشان به مقاصد و مطامع سرکردگان و نهایتاً فاصله‌گیری و به‌عبارتی گریز از مبادی اسلام راستین شد، موجبات شرمساری از خود و احساس پستی و حقارت را نزد ایشان پدید آورد: «في الليالي، يأتي الحراس ويأخذون من شأوا للمتعة المؤقتة. يدفعون المقاعد الدراسية جانباً ويغتصبونهن... مرة... صرخت أسيرة بهم: «كفى، تقبلون واحداً يفعل هكذا بأمهاتكم وأخوانكم؟» ضربها أحدهم على الفور بالحائط حتى انهارت. تبعها امرأة أخرى وهي تصرخ بكلمات غير مفهومة. بصقت عليه. قلدتها هيلين وبصقت على رجل بقرها. تلتها أسيرة أخرى بنفس الشيء. بصقت كل أسيرة في تلك الغرفة على من استطاعت فيما يشبه حملة بصاق على المعتصبين. بهت الرجال لردة الفعل الجماعية عليهم. ضربوهن بكل قوتهم ولكن في النهاية ساد هدوء في الغرفة وقد بدا على الرجال الإنهاك من ضربهم للأسيرات أو ربما من فقدانهم لماء الوجه، فغادروا الغرفة واحداً بعد الآخر» (همان: ۹ و ۱۰). داعش حتی با وجود قدرت‌نمایی جسمی و تسلط بر زنان و تحمیل امیال حیوانی بر اسیران، شاهد طردشدگی و ناکامی است که زمینه

کهتری روانی را در وی برانگیخته و به شخصیتی ضداجتماعی مبدلش ساخته که در اقدامات ناپهنجاری چون تجاوز جنسی، خشم و پرخاشگری خودنمایی می‌کند.

۲-۲-۲. عقده برتری^۷

عقده برتری واجد مفاهیمی است که یا حاکی از نیاز دفاعی برای غلبه بر حقارت است، یا از حس برتری دائم نسبت به دیگران رشد می‌یابد.

از نظر آدلر اغراق فرد در توانایی‌ها و موفقیت‌های خویش سبب شکل‌گیری "عقده برتری" در او می‌شود. کسی که عقده برتری دارد، لاف می‌زند، تکبر دارد، خودخواه است و دیگران را تحقیر می‌کند (شولتز و شولتز، ۱۴۰۰: ۱۹۶).

وی معتقد است که بهانه‌تراشی^۷، پرخاشگری^۸ و کناره‌گیری^۹ سه گرایش محافظ هستند که به احساس خودبزرگ‌بینی تداوم می‌بخشند. بهانه‌تراشی، رایج‌ترین گرایش محافظ است که معمولاً در قالب الگوی "بله چنین است؛ اما" یا "فقط اگر" بیان می‌شود (فیست و فیست، ۱۳۹۷: ۱۰۳).

الف. بهانه‌تراشی: "یحیی" پسر نوجوان هلن که خود ایزدی است و توسط داعش جامعه‌پذیر شده و به دین آنان گرویده، در گفتگویی مجادله‌محور و اثبات‌گرانه با "آزاد"، دایی خود، به‌جای آنکه به ابهام دایی‌اش درباره چرایی ترک آیین ایزدی و پیوستن به داعش پاسخ دهد، بهانه‌تراشی صریح را به کار می‌گیرد. در اینجا -طبق باور آدلر- بهره‌گیری از الگوی "چنین است؛ اما"، با توجه به سخن قبلی خود یحیی: «همه ادیان منادی عدالت‌اند» و عدم اعتقاد او به عدالت‌محور نبودن آیین‌های دیگر؛ مثلاً ایزدی، مؤید بهانه‌تراشی در سخن اوست. همچنین او با دستمایه قرار دادن این حقیقت بدیهی، مسأله مهم‌تر صحیح بودن یا نبودن اسلام ادعایی داعش را در سایه این گزاره حقیقی اما بهانه‌محور قرار داده و در عوض اشاره و تبیین، آن را به محاق می‌برد و این خود دلیل بر بهانه‌تراشانه بودن جمله جایگزین است. بدین ترتیب با ذکر بی‌مورد این برتری بدیهی و آن عدم ذکر، به‌صورت ضمنی داعش را عین اسلام اصلی و اصیل دانسته و داعشی (خود) را نمود مجسم اسلام انگاشته و این‌گونه خود را برتری می‌بخشد: «کل الأديان تنادي بالعدالة، قال آزاد. ولكن الإسلام هو خاتم الأديان، قال يحيي، فلو لم يكن ديناً متكاملاً لأرسل الله نبياً آخر ليكمله» (ميخائيل، ۲۰۲۰: ۱۷۸). یحیی که به‌اجبار در اردوگاه نظامی داعش آموزش می‌بیند و تحت سستشوی مغزی ایشان قرار گرفته، به بازگویی مفاهیم مد نظر داعش می‌پردازد. او شعار «فرق تسد» (همان: ۱۷۸) (تفرقه بینداز، حکومت کن) غربی‌ها را -به‌طور ضمنی و حسب آموخته‌هایش از داعشیان- ابزار عدالت‌خواهی اسلامی می‌داند که باور یافته توسط داعش محقق خواهد شد!

ب. **پرخاشگری:** آدلر معتقد است افراد روان‌رنجور برای حفاظت از عقده برتری اغراق‌آمیزشان، یعنی حفاظت از عزت نفس متزلزلشان، به پرخاشگری روی می‌آورند. محافظت از طریق پرخاشگری می‌تواند در قالب تحقیر، اتهام‌زنی به غیر یا متهم کردن خود نمایان گردد (آدلر، ۱۳۷۹: ۱۳۳).

این گروه به دیگر ادیان به چشم تحقیر نگریسته و پیروان آن را نجس، کافر و دشمن خود می‌پندارند که مسئولیت هدایتشان به عهده آنان است: «هم یسموننا کفاراً و یعتبرون طعمانا و ماءنا نجساً» (میخائیل، ۲۰۲۰: ۱۸۱)؛ «ومن بین قوانینهم الاستحواذ علی بیوت المسیحیین» (همان: ۱۳۹)؛ «نرجو من الیزیدیین أن ینزلوا من الجبال وأن ینضموا إلینا حتی یتجنبوا نار جهنم فی الآخرة» (همان: ۱۵۱). مطلوبشان آن است همه ادیان زیر بیرق این حکومت قرار گیرند تا عدالت همه جهان را فراگیرد: «وفی النهایة سیصبح العالم کلّه عادلاً تحت راية الدولة الإسلامية» (همان: ۱۷۸). داعش با سوءاستفاده از نام جهاد و فراخوانی فریبکارانه مردمان سایر کشورها به این گروه به هدف مسلمان کردن مردم دنیا، کشورگشایی می‌کند و در نهایت اگر کسی مخالفت کرد، گردنش زده می‌شود. طبق نظریه آدلر پیگیری خشونت‌بار چنین اهداف زیاده‌خواهانه‌ای، شاخصی از روان‌رنجوری فرد فاقد علاقه اجتماعی است.

نمود دیگری از تحقیر، بهره‌کشی جنسی از دختران و زنان است. گردان ایزدی، خواه مجرد خواه متأهل، در بازار برده‌فروشی، توسط داعش همانند کالا خرید و فروش می‌شوند تا اعضا اسباب کامجویی و لذت‌طلبی خود را فراهم سازند: «سمعت أحدهم ینادی بصوت عالی «۲۷، رقم ۲۷». لم تعرف هیلین فی البدایة بأن ذلك رقمها... لم یدم عناقهما الدامع سوی ثوان إذ جاء صوته الهادر معلناً: ۲۷ مباعه» (همان: ۷)، «أما غیر المتزوجات فهنّ ملّك المقاتلین كمهمة من مهمات الجهاد» (همان: ۱۵۶). هلن، این‌گونه توسط داعش در معرض فروش قرار می‌گیرد: «ولكنه لم یفتح فمها ولم یکشف عن أسنانها ولم یשמها كما فعل غیره. سأل «بکم هذه؟» فأجابہ الرجل الواقف علی الطرف «بأربعمئة، لك یامولانا بنصف السعر» (همان: ۱۶).

اتهام، نوع دیگری از پرخاشگری روان‌رنجور است که عبارت است از سرزنش و انتقام‌جویی از دیگران به‌خاطر شکست‌های خود و بدین ترتیب، توهم محافظت از عزت نفس ضعیف خویش. داعشی، هر که هم‌کیشش نباشد را سرزنش و متهم به کفر می‌کند و طبق ایدئولوژی خود، در صورت نپذیرفتن دین اسلام، قتلشان واجب می‌شود: «أی کافر سواء کان صلیباً أو یهودياً أو یزیدياً له فرصة النجاة بأن یتلو الشهادتین. نحن لم نقاتل الناس إلا لإخراجهم من الکفر» (همان: ۱۵۱). داعشیان به هدف درصدرنشانی دین ادعایی‌شان، پیروان آیین‌های دیگر را از موضع صدارت، متهم به بی‌دینی می‌کنند. "عیاش" داعشی به هلن ایزدی‌مذهب می‌گوید: «أنت کافرة وهذا لیس ذنب فأنت ولدت هكذا» (همان: ۲۱). عیاش تونسوی-فرانسوی که زن و فرزند را رها کرده تا به ادعای خود، ندای الله را لبیک گوید، با این سخن که اتهام را از هلن برمی‌دارد، به‌طور کلی "ایزدی‌بودن" را اتهام می‌داند.

۲-۲-۳. غایت‌نگری خیالی^۷

نظریه شخصیت آدلر با استفاده از شیوه‌های تحلیلی و غایت‌انگار؛ یعنی بررسی مقاصد و هدف‌های نهایی رفتار، سعی می‌کند به هدف‌ها و انتظارات خود دست یابد. این نظریه معتقد است که مردم به آینده چشم می‌دوزند و تا حدی در تعیین سرنوشت خود آزادند و به معنای زندگی می‌اندیشند.

آدلر "غایت‌نگری"، "هدف نهایی ذهنی" یا "خود آرمانی هدایت‌کننده" را یکی از عوامل به وجودآورنده شخصیت می‌داند. شخص با تخیلات ذهنی خود سعی در واقعی کردن آمل خود دارد؛ اما در عالم واقع نمی‌تواند به هدفی که در ذهن خود می‌پروراند، برسد (نک، آدلر، ۱۹۹۶: ۸). "شولتز و شولتز" می‌نویسند: «آدلر این مفهوم را با غایت‌نگری خیالی بیان کرد، یعنی تلاش برای آرمان‌هایی که به صورت ذهنی در شخص وجود دارد» (۱۹۸: ۱۶۰۰).

از نظر آدلر، روح بشر مجموعه‌ای ایستا نیست؛ بلکه انسان مجموعه‌ای از نیروهای پویاست که همه در نتیجه علت واحدی به حرکت درمی‌آیند و در تلاش‌اند به کمال نهایی نایل شوند. روح موجود زنده زمانی حیات دارد که تمام تحرکاتش به سوی هدفی واحد در جریان باشد (آدلر، ۱۳۷۹: ۲۰). بر اساس گزاره‌های رمان وشم الطائر، رؤیایپردازی در احیای خلافت اسطوری، کودک- تروریست‌پروری، ازدواج اجباری و شستشوی مغزی، محورهای غایت‌نگری خیالی داعش است که طبق نظریه آدلر تلاش‌هایی برای رسیدن به آرمان‌های پرورده ذهن غایت‌نگر است. البته غایت‌نگری داعش خیالی و توهمی است و شخصیت در ترسیم غایات آرمانی خود با یک سوءتدبیر و اشتباه محاسباتی در برآورد افق‌هایش مواجه است. از این‌رو گرچه، طبق الگوی آدلری، برای دستیابی به خواسته‌هایش می‌کوشد، اما همه این تلاش‌ها متصف است به توهم‌آلود بودن خیالات و خواسته‌ها که نتیجه‌ای جز ناکامی به بار نمی‌آورد.

الف. رؤیای احیای خلافت اسطوری: در دولت داعش، مسئله خلافت اسلامی به‌عنوان اسطوره و هدفی تعیین‌شده که تمامی باورمندان خود در سراسر جهان را زیر پرچمش جای خواهد داد: «وهل صحیح مقاله عیاش بأنهم فی المستقبل سیحکمون العالم کله حتی الصین؟» (میخائیل، ۲۰۲۰: ۱۳۵).

داعش به‌عنوان حکومت گروهی از افراد رانده‌شده از جامعه و مبتلا به عقده‌های فراوان، به‌واسطه داشتن بنیادهای فکری نخ‌نماشده و فریب‌خوردگی در تعیین معیارهایی کاربردی برای تأسیس و اداره یک حکومت واقعی و ناتوانی در ایجاد کادرهای تخصصی امور، هرگز توان حتی نزدیک‌شدن به چنین رؤیایی را هم ندارد: این تشکل، از طریق مالیات‌ستانی هنگفت، غارت بانک‌ها، تاراج آثار باستانی و فروش نفت، به ثروت عظیمی دست یافته بود که مقدمات رسیدن به هدف آرمانی‌اش را با خرید پیشرفته‌ترین تجهیزات و تکنولوژی‌ها، تأمین مایحتاج نیروها و غیره، هر چه بهتر و سریع‌تر فراهم می‌کرد: «سمعت بأنهم سیطروا علی المطار والدوائر الحکومیة والبنوک وحقول النفط... أفراد العصابة یجوبون الأسواق ویتزّون الناس بقوة السلاح حتی

أنهم يعرفون كل واحد كم يربح» (میخائیل، ۲۰۲۰: ۱۳۲)، «الدولة الإسلامية مرتبة وتجي الضرائب من الأعمال التجارية حسب الربح» (همان: ۲۲). طبق گزاره‌ها، اقدامات زمینه‌ساز بسیار گسترده‌ای عملیاتی شده، اما به واسطه رویاگونه بودن داعیه‌های اخلاقی خلافت، بنیان‌های مالی - اقتصادی مبتنی بر حرام‌خواری و چپاول‌گری، موجب رنجش حامیان و فقدان پایگاه مردمی و نهایتاً نابودی می‌گردد.

ب. کودک‌تروریست‌پروری: این گروه از طریق پرورش نیروهای فدایی نوبالغ، آموزش نظامی به کودکان و نوجوانان و جامعه‌پذیر کردن ایشان از طریق خلق هنجارها و ارزش‌هایی نزد تشکل، غایات و اهدافی خیالی را ضامن بقا و استمرار حیات خود می‌داند: «سمعت من عیاش بأن الأولاد بعمر عشر سنوات فما فوق لا یبقون مع أمهاتهم إنما یلتحقون بمعسکرات التدریب» (میخائیل، ۲۰۲۰: ۳۷)؛ «ماذا لو كان هذا الذي قطعوا رأسه هو أبي؟... إن كان أبوك كافراً فیجب أن تكون أنت أول من یحاربه» (همان: ۲۳۷ و ۲۳۸). بروز رفتارهای غیرعادی؛ نظیر استفاده از کودکان و تروریست‌پروری، مطابق نظریه آدلر، حاکی از نگاه داعش به آینده است و تلاش برای دستیابی به آرمان‌های خیالی‌پرورد است.

ج. ازدواج اجباری: ازدواج اجباری با دختران و زنان مجرد و متأهل اسیر، به منظور افزایش زادآوری و تربیت نسلی جدید با آموزه‌های داعشی نیز تلاش مذبحانه دیگری خارج از حدود عرف‌های پذیرفته جهانی است: «قالت: هذه وثیقة زواجك. سیأتي زوجك بعد قليل. أعادت هیلین الورقة من دون أن تنظر إليها وقالت: أنا متزوجة أصلاً. أبو تحسین اشتراك أونلاين وهو فی الطريق إلى هنا» (میخائیل، ۲۰۲۰: ۸). طبق نظریه آدلر، این گروه با اقداماتی از این دست، سعی در واقعی‌سازی آمال خود، یعنی استیلای خلافت اسلامی بر کل جهان، دارد؛ اما همچنان بنیان توهم‌آلود اقدامات مانع است و زنان به محض فرصت‌یابی، بی‌هیچ تعهدی از شوهر اجبارگر می‌گریزند.

د. شستشوی مغزی: داعش، آرمان گروه را به‌گونه‌ای در اعضا نهادینه می‌کند که فرد هویتش را در گروه محو و زندگی خود را فدای هنجارهای مورد تأیید ایشان نماید. هلن از یحیی، پسر نوجوانش که اسیر تبلیغات داعش شده، می‌خواهد همراهشان فرار کند؛ ولی پاسخ او درخور تأمل است: «لنأتی معکم، قال یحیی، أماننا مهمة كبيرة، أكبر من العائلة. عائلتنا هي الدولة الإسلامية بأكملها ونحن نجاهد لكي تنتصر الدولة» (همان: ۱۷۸) پاسخ شخصیت، حاکی از تأثیرگذاری تلاش داعش در نهادینه‌سازی غایت‌نگری خیالی و سوءاستفاده سرکردگان‌شان از فریب‌خوردگی ذهن افراد در برابر ویتترین برآق کلام حماسی و ظاهراً عزت‌خواهانه و حقیقت‌طلبانه ایشان است.

۲-۲-۴. ارتباط جمعی و علاقه اجتماعی^۷

در نظرگاه آدلر، احساس اجتماعی، ملاک مهمی در ارزیابی شخصیت به شمار می‌آید. نقطه مقابل احساس اجتماعی، تمایلات و تلاش‌هایی است که در جهت قدرت شخص و برتری انجام می‌گیرد. مطابق نظر آدلر، «زندگی اجتماعی امری ضروری است، چرا که به واسطه زندگی گروهی و تقسیم کار که طبق آن، فرد خود را تابع گروهی می‌داند، تداوم زندگی امکان‌پذیر است. با نگاهی به تاریخ بشر، پایه‌های تمام اشکال زندگی اجتماعی را در زیست گروهی و اجتماعی می‌بینیم» (۱۳۷۹: ۲۶).

علاقه اجتماعی، یعنی تمایل به همکاری با دیگران برای یک صلاح عمومی. آدلر، مفهوم علاقه اجتماعی را «استعداد فطری همکاری کردن فرد با دیگران، برای رسیدن به هدف‌های شخصی و اجتماعی تعریف می‌کند» (شولتز و شولتز: ۱۴۰۰: ۲۰۲). او معتقد است شالوده همه نوع ناسازگاری، علاقه اجتماعی رشدنا یافته است. افراد روان‌رنجور که فاقد علاقه اجتماعی هستند، سه ویژگی شاخص دارند: اهداف بلندپروازانه تعیین می‌کنند؛ در دنیای خصوصی خودشان زندگی می‌کنند؛ سبک زندگی خشک و جزمی دارند (فیست و فیست، ۱۳۹۷: ۷۹).

آدلر، روان انسان را ابزار درخور توجهی می‌داند که با وجود سخت‌گیری‌های محیط اطراف، رشد می‌کند. وی زندگی اجتماعی را امری ضروری قلمداد می‌کند که تداوم زندگی به واسطه آن امکان‌پذیر است (آدلر، ۱۳۷۹: ۲۶-۲۷).

ارزش‌های هدفمند در تشکل اجتماعی داعش؛ شامل قدرت، خلافت، استیلا، سلطه‌جویی و حکمرانی بر جهان است و تشکل انتظار دارد اعضای این خانواده، هزینه‌های آن را حتی با جان‌فشانی بپردازند: «الدولة هي عائلتك ولها الولاء والتضحية أولاً وأخيراً» (میخائیل، ۲۰۲۰: ۲۳۸). داعش ائتلافی متشکل از نیروهای تکفیری پیش از خود و نیروهای شبه‌نظامی کشورهای حامی است که به‌مثابه یک خانواده، همه اعضای آن جهت پابرجایی، شکوفایی و موفقیتش باید تلاش کنند و اتحاد و اعتماد میانشان حاکم باشد: «قال أخيراً: لا يجوز أن تتخلى عن جماعتنا. هم يثقون بنا» (همان: ۱۷۹) و در صورت نقض قوانین و عدم اجرای مجازات درباره تخطی‌گران، خود مجازات خواهند شد: «إذا قبضوا عليها في الطريق فمعنى ذلك أن يعيدوها إلى عيش وسيكون عليه إذا نفذ قانون التنظيم بدوره أن يرجعها حتى الموت. حتى لو لم يرغب عيش فعلاً بقتلها فإنه سيفعلها لأنه إن لم يفعل فستعاقبه المنظمة بتلك العقوبة نفسها» (همان: ۳۲).

به باور آدلر اتحاد و ارتباط جمعی مسئله‌ای است که تداوم زندگی را برای شخص امکان‌پذیر می‌سازد. داعش به این مسئله پای‌بند است و میان اعضای گروه خود، گروه‌های تکفیری پیش از خود و کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای اتحادی می‌آفریند و پای‌بندی به رسالت گروه را به‌منظور نیل به اهداف و آرمان خود از یک‌یک متحدین خواستار است. پای‌بندی اعضا به رسالت گروه، از جمله عواملی است که پیشروی

داعش را در مقطعی از زمان، به‌ویژه در سال ۲۰۱۴ که سال ورود داعش به عراق بود، رقم زد و در نهایت این گروه به یکی از اصلی‌ترین قدرت‌ها در میان گروه‌های تروریستی در قلمرو اسلامی بدل شد و بسیاری از اعضای گروه‌های دیگر و چه‌بسا گروه رقیب به آن پیوستند، به‌نحوی که نیروهای رده‌های میانی و بالایی مدیریت و رهبری گروه داعش را نیروهای فراملیتی، مخصوصاً از چین که مرکز تربیت نیروهای تندروی دینی جدایی طلب است، تشکیل دادند: «فالمنظمة منحت الطابق الثاني من هذا البيت لرجل من الشيشان بلقبونه بأبمير الصحراء فهو وقع على عقد امتلاك زوجة ومتعلقاتها وأطفالها» (همان: ۲۷).

۲-۲-۵. خود خلاق و سبک زندگی^۸

از نظر آدلر، «من / خود خلاق» به تجارب شخصی معنی و مفهوم می‌بخشد و یا به خلق تجربیاتی می‌پردازد که در عالم خارج موجود نیستند و بر مبنای آن‌ها شیوه خاص و منحصر به فرد زندگی فرد پی‌ریزی می‌شود. آدلر تأکید می‌کند ما قادریم هشیارانه اعمال و هدف‌هایمان را انتخاب کنیم. وی چنین توانایی انتخابی را "خود خلاق" نامیده که هوشیارانه است و در هسته شخصیت قرار دارد. (راس، ۱۳۸۶: ۱۰۵)

از جمله جلوه‌های بروز خودخواسته داعشیان، فیلم گرفتن از اقدامات خود: از مسلمان شدن ایزدیان به اصطلاح کافر تا سربریدن مردان ناهمکیش و قرار دادن آن در شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی نظیر یوتیوب، تجسم خود خلاق آدلری است که به‌خلاف دیگر جریان‌های تروریستی، مشخصاً نزد داعش نمود بسیار دارد: «رأك في اليوتيوب عند دخول الإيزيديين الإسلام ومدح بك كثيراً» (میخائیل، ۲۰۲۰: ۱۷۲)؛ «قبل يومين شاهدتُ يوتيوب لرجال ملثمين يقطعون رؤوس أشخاص يسّمونهم عملاء، والدماء مثل نافورات على جوانب القتلى» (همان: ۱۳۸). داعش، به‌عنوان یک جریان بدوی، با سرمایه‌گذاری در تبلیغات مجازی و رسانه‌ای و با به‌کارگیری شگردهای عملیات روانی، کوشیده است نزد افکار عمومی جهان، به‌صورت هدفمند، چهره‌ای خلاق و پویا از خود نشان دهد و در تبلیغاتش سبک زندگی دیگرگونه‌ای از خود به نمایش گذارد.

«آدلر به وجود اراده آزاد اعتقاد دارد که به انسان امکان می‌دهد تا از توانایی‌ها و تجربیاتی که استعداد ژنتیکی و محیط اجتماعی برایش فراهم می‌کنند، سبک زندگی مناسبی را به وجود آورد» (شولتز و شولتز، ۱۴۰۰: ۲۰۰).

بسته به منبع و سرچشمه احساس حقارت، به‌صورت درونی و بیرونی، فرد تلاشی جبران‌کننده برای بهتر و برتر شدن از خود نشان می‌دهد که شکل فردی و انحصاری خواهد داشت و همین امر، در واقع نشانگر سبک یا روش زندگی فرد است (راس، ۱۳۸۶: ۱۰۴). سبک زندگی، هدف فرد، خودپنداره^۹، احساس‌های فرد به دیگران و نگرش فرد به دنیا را شامل می‌شود. سبک زندگی حاصل تعامل وراثت، محیط و نیروی خلاق فرد است. آدلر معتقد است که فرد سبک زندگی را به وجود می‌آورد. ما خود، شخصیت و منش خویش را به وجود می‌آوریم (شولتز و شولتز، ۱۴۰۰: ۲۲۸).

آدلر بر اراده آزاد تأکید دارد و با رد تقدیر و سرنوشت، معتقد است انسان می‌تواند خود سرنوشت خویش را بسازد. این اندیشه، تجسم اندیشه اثبات‌گرایی اوست. در نظام اندیشگانی آدلر، محیط و وراثت نمی‌توانند تأثیر مطلق داشته باشند؛ اما دو عاملی هستند که در کنار نیروی خودِ خلاق، بر اراده انسان اثرگذار بوده است و آن را در تنگنا و محدودیت قرار می‌دهند.

مؤلفه‌ها و اعتقادات مربوط به سبک زندگی، از نظر آدلر به چهار گروه تقسیم می‌شوند: ۱- مفهوم خویشتن‌پنداری، یعنی نوع نگاه فرد به خود یا پرسش (من کیستم؟)؛ ۲- خودآرمانی یعنی این نگاه که من چه باید باشم؛ ۳- تصویر جهان، یعنی اعتقاد فرد درباره اطرافیان، محیط و دنیا؛ ۴- اعتقادات و مقررات اخلاقی یعنی مجموعه چیزهایی که فرد درست یا غلط می‌داند (یوهانسون، ۱۳۹۳: ۴۶).

آدلر سبک زندگی را در چهار تیپ سلطه‌جو، کمک‌خواه (گیرنده)، دوری‌جو و کمک‌رسان (مفید به حال جامعه) دسته‌بندی کرده است. تیپ سلطه‌جو: نگرشی سلطه‌جو یا حاکم، با آگاهی اجتماعی کم دارد و بدون توجه به دیگران رفتار می‌کند. نوع افراطی آن به دیگران حمله کرده و آزارگر، بزهکار یا جامعه‌ستیز می‌شود. تیپ گیرنده: این تیپ از نظر آدلر رایج‌ترین تیپ انسان است. توقع دارد که دیگران اسباب رضایت او باشند؛ بنابراین به دیگران وابسته می‌شود. تیپ دوری‌جو، برای روبرو شدن با مشکلات زندگی هیچ تلاشی نمی‌کند. از نگاه آدلر این سه تیپ فاقد «علاقه اجتماعی» هستند؛ اما تیپ کمک‌رسان، با دیگران همکاری کرده و مطابق با نیازهای آن‌ها عمل می‌کند (شولتز و شولتز، ۱۴۰۰: ۲۰۰-۲۰۲). از طرفی، عامل اصلی سنجش رفتار و سلامت روانی افراد در روان‌شناسی فردنگر، «علاقه اجتماعی» است. بدین ترتیب هر انسانی که از «علاقه اجتماعی برخوردار باشد، سلامت روانی دارد؛ اما درباره داعش شاهد جلوه‌های پرتناقضی هستیم:

داعش که مدعی حمایت از شهروندان ایزدی است و در اعلان سراسری خطاب به ایزدیان تأکید دارد: «لن نؤذیکم، بل نحن هنا لنحمیکم» (میخائیل، ۲۰۲۰: ۱۴۶)، با تجاوز به نوامیس و به اسارت بردن مردان و پسران: «جماعتک اغتصبوا أمک و حتی هذه الطفلة لیلی اغتصبوها. أبوها مفقود و أبوک مفقود أيضاً» (همان: ۱۷۹) و گردن‌زدن ایشان: «أولئک الرجال خونۀ و کفار و یجب محاربتهم هكذا بالسیوف» (همان: ۲۳۷)، قصد دارد این افراد را جبراً به اسلام هدایت کند: «رجل مسلح بحاجین سمیکین جداً ولحیة طویلة بدون شارب رفع مکبر الصوت إلى فمه وقال: سبق وأن قلنا لکم کونوا أخوة لنا ونحن نحمیکم ولكن بعضکم أبی إلا أن یخالف مشیئة الله فلم یکن أمامنا سوی القتال. هكذا هو مصیر الخونة. لا یستحقون أكثر من حفرة. مثلما رأیتم نحن داوینا جرحاکم فی المستشفيات لأننا أردنا أن نعطیمهم فرصة ثانية لعلهم یهتدون» (همان: ۱۵۸)، اسلامی که به نفع ایشان است و نوید ورود به بهشت می‌دهد: «قال المسلح، تحوّلکم الیوم الی الدین الإسلامی هو لصالحکم لأنکم ستدخلون الجنة من أوسع أبوابها» (همان: ۱۵۰)، اما نه تنها حمایتی از آن‌ها نکرد؛ بلکه فرجامشان را به بی‌پناهی و فرار و در نهایت خودکشی، به‌ویژه در زنان، ختم کرد: «والمهمة الثالثة إرهاب الناس کي یهربوا من بیوتهم. تلك

العملية أسموها «توفير مساكن للمؤمنين» (همان: ۳۷)، «داعش وصلوا إلى قضاء سنجان وبعض الناس هربوا إلى الجبال» (همان: ۱۴۵)؛ «بعض الفتيات انتحرن في حمام» (همان: ۲۱). از نظر آدلر، در نتیجه تلاش شخص برای غلبه بر احساس حقارت، کمال و تعالی وی محقق می‌شود؛ اما کمال‌خواهی داعش، در مفاهیمی چون ریاست‌طلبی، قدرت‌طلبی، سلطه‌جویی بر جهان و کامجویی سوءاستفاده‌گرانه و بردگی جنسی دختران و زنان نهفته است. در واقع، داعش با استفاده از ابزار قدرت و تجربیاتی که محیط برایش فراهم آورده، سبک زندگی صرفاً سلطه‌جویانه‌ای طرح‌ریزی کرده است.

داعش برای منطقه تحت کنترل خود قوانینی وضع کرده که تخطی از آن، مجازات‌های شدیدی همچون شلاق و تازیانه در پی دارد. به‌عنوان نمونه، مجازات آرایش‌کردن، حتی استفاده از رژ لب، شلاق است: «أصبحت الحلاقة مهنة خطيرة، سواء للرجال أو النساء. أحد الحلاقين من أقارب شيماء عوقب بخمسين جلدة دخل على إثرها المستشفى»؛ «استخدام أحمر الشفاه قد يؤدي إلى ثلاثين جلدة» (میخائیل، ۲۰۲۰: ۱۴۱). شرکت نکردن جوانان در نماز، سیگار کشیدن، پوشیدن شلوار با پارچه‌هایی یک وجب بالاتر از قوزک پا یا کم‌حجابی زنان مشمول مجازات می‌شود: «وفي أوقات صلاة الجمعة، إذا رأى ولدًا في الشارع سيصرخ به ليلتحق بالجامع. وإذا استهزأ أو ضحك أحدهم في أثناء الصلاة سيستدعيه عياش إلى حبس تأديبي. وإذا عثر على مدخن فسيعاقبه بخمسة وعشرين جلدة مضاف إليها جلدات بعدد السجائر الناقصة من علبة الدخان. أما إذا رأى فتى يرتدي سروالاً يرتفع شبراً عن قدميه فإنه سيعاقب أهل الولد وتحديدًا أباه بعشرين جلدة ومثلها من الجلدات للزوج الذي ترتكب زوجته غلطة في ملابسها كأن يظهر منها شيء تحت النقاب» (همان: ۳۱). گوش دادن به موسیقی حرام است؛ مگر آنکه آهنگی مذهبی باشد: «الموسيقى حرام ماعدا تلك المصاحبة للأناشيد الدينية» (همان: ۲۸).

ممنوعیت استعمال سیگار و مواد مخدر: داعش مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی و مخدر را برای مردم تحت سلطه، ممنوع اعلام کرده؛ ولی اعضای گروه، با نقض این قانون، زنان اسیر ایزدی را نیز مجبور به همراهی می‌کنند: «لكنها تعرف بأنه يصرها على المخدرات فقد تناولها أمام عينها وأجبرها أن تتناول منها أيضاً. من الواضح أن المنظمة لم تمنع تداول المخدرات، ولكن هيلين أرادت أن تتأكد فسألته: فقط التدخين ممنوع، أليس كذلك؟ الكحول أيضاً ممنوع» (همان: ۳۱) داعشیان علاوه بر استعمال شخصی افیون در خفا، در لذت-جویی‌هایشان، قانون وضعی خود را نیز نقض می‌کنند که این حکایت از تناقضی آشکار و دروغین بودن احکام ادعایی ایشان دارد، به‌نحوی که مشروب‌خواری نیز گویی بسان مواد مخدر رایج است.

الزامات پوشش زنان و مردان: پوشش مردان ردایی سیاه تا زانو و شلوارهایی تا قوزک پاست: «ذلك الرجل، بقميصه الأسود الطويل حتى الركبة وسرواله المرتفع فوق كاحل القدم» (همان: ۷). به زنان اسیر در ابتدای اسارت دستور می‌دهند لباس‌های پوشیده بپوشند و نقاب بر صورت زنند؛ ولی برای عکس‌گرفتن و قرار دادن در

یوتیوب برای فروش، آن‌ها را مجبور کرده که لباس لخت و زنده به تن کنند: «استغربت هیلین من التناقض الكبير في الملابس التي يفرضها عليهن أعضاء التنظيم. ففي البداية عليهن أن يرتدين النقاب الأسود الذي لا تظهر منه سوى العيون، وبعد ذلك عليهن ارتداء ملابس خلعية لتصويرهن وعرضهن للبيع. طلب المصوّر من هيلين أن تمسح دموعها قبل أن يلتقط الصورة» (همان: ۸ و ۹)؛ اما سبک زندگی محدود به خوراک و پوشاک و رفتارهای اخلاقی و قواعد شرعی نمی‌شود؛ بلکه در قالب رفتارهای ضدفرهنگی نیز جلوه‌گر می‌شود. نمونه مذکور، نمونه "علم‌ستیزی" به‌مثابه یک سبک زندگی جاری و رایج نزد شخصیت مورد بررسی است؛ یعنی قانون کتاب‌ستیزی و کتابخانه‌زدایی، مگر کتاب دینی مدنظر داعش، جزئی از سبک زندگی و یک رویه روتین همیشگی نزد داعشیان است.

نابودسازی میراث فرهنگی: حمله به آثار باستانی، آتش‌زدن کتابخانه‌ها و سوزاندن کتاب‌های نادر و نسخه‌های خطی که به‌زعم داعش نماد بی‌دینی و لانه‌های شیطان هستند، قرینه‌ای است واضح که بر فقدان آگاهی اجتماعی و فرهنگی آنان دلالت دارد: «كان الأسرى قد سمعوا بأن داعش هدموا المزيد من المواقع الأثرية وأحرقوا مكتبة الموصل المركزية وأحالوا كتبها النادرة ومخطوطاتها التاريخية رماداً، فتلك الكتب، في رأي داعش، تجلب الإلحاد ولذلك هي أوكار للشياطين (ميخائيل، ۲۰۲۰: ۱۷۵). مردم برای این آثار، کتاب‌ها و دارایی‌های فرهنگی احترام قائل‌اند؛ اما داعش هیچ‌وقعی به مسائل محترم نزد مردم ننهاد و فرهنگ و جلوه‌هایش را سلطه‌جویانه خرد می‌کند و آن را نه برای خود و نه برای مردمان نمی‌پسندد.

نظر به نظریه آدلر، داعش به‌عنوان یک شخصیت، با سبک زندگی اینچنین خشک و خشونت‌بار، منشی جزمیت‌گرا ناشی از نوعی بنیادگرایی ظاهراً اسلامی دارد؛ اما سبک زندگی او، برآمده از اهداف سیاسی داعشیان یعنی احیای خلافت اسلامی، و ناشی از خودپنداره‌ای سراسر خودمرجع‌بینی و نیز نگرش داعش نسبت به ادیان (مسیحیان، یهودیان و ایزدی‌ها بعنوان دیگران) و به کل جهان به‌عنوان جهانی مقهور در برابر ایشان است که این بر خلاف اصول اسلام واقعی است.

نتیجه

با بررسی روان‌شناختی شخصیت داعش در رمان "وشم الطائر" بر اساس نظریه شخصیت آدلر نتایج زیر به دست آمد:

- سبک زندگی داعش از بین چهار سبک مطرح‌شده توسط آدلر، در دسته‌بندی اول؛ یعنی "تیپ سلطه‌جو" و فاقد علاقه اجتماعی قرار می‌گیرد و صرفاً نشان از تمامیت‌خواهی ایشان در قالب خلافت اسلامی دارد. این سبک زندگی، نمودی کامل و تبلوری عینی از فرهنگ سلطه‌جویانه داعش است که بر ظاهر، پوشش، وضع قوانین، رفتار با اسیر و موارد دیگر سایه افکنده است.

- با بررسی مؤلفه‌های خود خلاق، غایت‌نگری، ارتباط جمعی و سبک زندگی، درمی‌یابیم تنها تأثرات ناشی از عقده‌ حقارت و تأثیرپذیری‌های سلبی از محیط خارجی نیست که شخصیت داعش را شکل داده است؛ بلکه داعش برای ارضای تمایلات برتری‌جویانه خود، از عوامل اجتماعی مذکور ذیل مؤلفه‌های آدلری، در قالب تجارب تازه و فعالیت‌های ابتکاری -هرچند ناروا- بهره برده است.

- در مؤلفه خود خلاق، خلاقیت داعش در قیاس با دیگر تروریست‌های سلفی، تلاش‌های رسانه‌ای ایشان است که مبنا و ساختار آن، در مقدماتش، گویی با تشریحات مؤلفه "خود خلاق" آدلر قابل انطباق است؛ اما طبق تشریحات، داعش که ظاهراً درصدد فعالیت‌های خلاقه و اقدامات مبتکرانه، به گمان کاربرست هوشمندانه روش‌های تبلیغاتی روزآمد در بسترهای مجازی و اینترنتی، ویدیوهای حماسی‌گونه از اقدامات غیرمتمدنانه‌اش را راهکار ترویج دعوت خود دانسته، غافل از آن است که در نبود یک گفتمان توجیه‌گر و رواساز، همین مواد خام، دشمن شماره یک ایشان است.

- غایت‌نگری داعش، نمونه‌ای قابل انطباق با الگوی آدلر است؛ اما با شیوه تطبیق و سرانجامی متفاوت: به‌رغم رعایت بندهایی از اصول این مؤلفه، بند اصلی، یعنی ترسیم درست افق و چشم‌انداز مطلوب، گم است. ویژگی شاخص این شخصیت، اهداف بلندپروازانه و غایت‌نگری خیالی و توهم‌محور است. شیوه‌های داعش در احقاق غایاتش، تلاش برای بازیابی خلافت‌های شکوهمند، بدون توجهی به الزامات و هنجارهای بایسته زمانه معاصر است؛ اما توهم‌آلودگی خیال‌ها و آرمان‌ها، تمام انگیزه و همت مضاعف به‌کار بسته را بر باد می‌دهد.

- ذیل غایت‌نگری خیالی، ابتکار -ناروای- داعش در بهره‌کشی از کودکان، جامعه‌پذیرسازی ایشان به‌واسطه همترازسازی آنان با «مجاهدان» بزرگسال، نهادینه‌سازی هنجارها و ارزش‌هایش در آنان به‌واسطه شستشوی ذهنی یا تهدید و ارعاب و تضعیف روحیه نوع‌دوستی به‌واسطه مشارکت در جنایات نظامی است؛ مقولاتی که خط سیری ضمن مباحث غایت‌نگری خیالی و مسئله شیوه‌های دستیابی به پویایی زندگی نزد آدلر دارد؛ اما کاربرست آن توسط داعش به شکلی سلبی و در قالب سلطه‌گری خروشناک جلوه می‌کند و به "ترور روانی" کودکان می‌انجامد.

- عواملی همچون عدم همدلی و علاقه اجتماعی با دیگران، احساس حسادت یا ترس، میل به خشونت و دگرآزاری، در شکل‌دهی شخصیت داعش مؤثر است. گرایش به خشونت و لذت‌بردن از آن که از طریق رسانه‌ها، آموزش‌های رسمی و جامعه‌پذیرسازی نیروها به‌شدت ترویج و تشدید می‌شود، در سبک زندگی داعش به چشم می‌خورد. تعصبات عقیدتی، عدم عقلانیت و خردورزی ناشی از قوم‌گرایی و خودبرترپنداری داعش، مانع انتقادپذیری، مدارای اجتماعی و پذیرش دیگران به‌ویژه ناهم‌کیشان است و یکی از عوامل تزلزل و تباهی این شخصیت است.

پی‌نوشت

- ¹ Sigmund Freud
- ² Erik Homburger Erikson
- ³ Carl Gustav Jung
- ⁴ Alfred Adler
- ⁵ Karen Horney
- ⁶ psychologie Individuelle et comparée
- ⁷ Inferiority Feeling
- ⁸ Inferiority Complex
- ⁹ compensation
- ¹⁰ Compensation Complex
- ¹¹ excuse
- ¹² aggression
- ¹³ Withdrawal
- ¹⁴ Fictional Finalism
- ¹⁵ Social Interest
- ¹⁶ Creative Self
- ¹⁷ Life Style
- ¹⁸ self-concept

منابع

منابع عربی

- آدلر، ألفرد. (۱۹۹۶ م)، سیکولوجیتک فی الحیاة: کیف تحیاها؟ تعریب: عبدالعلی الجسمانی، بیروت: الدار العربیة للعلوم.
- آدلر، ألفرد. (۲۰۰۵ م الف)، الطبیعة البشریة، ترجمة عادل نجیب بشری، القاهرة: المجلس الأعلى للثقافة.
- آدلر، ألفرد. (۲۰۰۵ م ب)، معنی الحیاة، ترجمة و تقدیم عادل نجیب بشری، القاهرة: المجلس الأعلى للثقافة.
- افخمی عقدا، رضا و الآخرین. (۱۳۹۵)، «دراسة نفسیة لشخصیة عنتره فی ضوء نظریة أدلر»، الجمعية الإیرانیة للغة العربیة وآدابها، العدد الـ ۴۰، صص ۱- ۲۲.
- سقال، دیزیره والقزی، دیزیره. (۲۰۱۳ م)، الإبداع الفنی والتحلیل النفسی (بین منهج الدراسة النفسیة والتحلیل السریری)، بیروت: دارکتبات.
- میخائیل، دنیا. (۲۰۲۰ م)، وشم الطائر، بیروت: دار الرافدین.

منابع فارسی

- احمدیان حمید و فهیمه میرزایی. (۱۳۹۱)، «روان‌شناسی شخصیت "بشارین‌برد" از رهگذر زندگی‌نامه و گزیده‌ای از اشعارش» لسان مبین، سال سوم، دوره جدید، شماره هشتم، صص ۱- ۱۸.

- امیری، جهانگیر و دیگران. (۱۳۹۴)، «تحلیل روان‌شناختی هیجانات حقیقه طبق نظریه "آدلر" و "هورنای"، لسان مبین، سال هفتم، دوره جدید، شماره ۲۱، صص ۱۳۱-۱۵۶.
- آدلر، آلفرد. (۱۳۷۹ ش)، شناخت طبیعت انسان از دیدگاه روان‌شناسی، ترجمه طاهره جواهرساز. تهران: رشد.
- آستاد، کارول. (۱۳۹۰ ش)، نظریه‌های روان‌درمانی و مشاوره (نظریه، عمل و تحقیق)، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: ویرایش.
- بهنام فارسی و دیگران. (۱۳۹۶)، «عقده حقارت در رمان "ما لا تذروه الرياح" با تکیه بر نظریه آلفرد آدلر»، انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۴۵، صص ۱۱۳-۱۴۰.
- راس، آلن آ. (۱۳۸۶ ش)، روان‌شناسی شخصیت (نظریه‌ها و فرایندها). ترجمه سیاوش جمال‌فر، تهران: روان.
- شافه، هربر. (۱۳۵۱ ش)، «روان‌شناسی آلفرد آدلر»، علی‌محمد برادران رفیعی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال هشتم، شماره اول، صص ۹۷-۱۱۲.
- شولتز، دوان پی و سیدنی الن شولتز. (۱۴۰۰ ش)، نظریه‌های شخصیت، ویراست دهم، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: ویرایش.
- عرب، عباس و یوسف حق‌پناه. (۱۳۹۰ ش)، «تحلیل روان‌شناختی اشعار صعالیق بر اساس مکتب آدلر»، زبان و ادبیات عربی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد)، شماره پنجم، دوره ۳، صص ۱۱۵-۱۴۴.
- فیست، جس و گرگوری فیست. (۱۳۹۷ ش)، نظریه شخصیت، ویراست هشتم، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: روان.
- مجیدی، حسن و دیگران. (۱۳۹۴)، «بررسی و تحلیل شخصیت ابن‌رومی بر اساس نظریه عقده حقارت آدلر» لسان مبین، سال ششم، دوره جدید، شماره ۲۰، صص ۱۳۹-۱۶۶.
- منصور، محمود. (۱۳۴۳ ش)، احساس کهنی، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات آسیا.
- یوهانسن، ثور. (۱۳۹۳ ش). دین و معنویت در روان‌درمانی و مشاوره: رویکردی آدلری با تأکید بر روان‌درمانی و مشاوره با مسلمانان، ترجمه فرید براتی سده، تهران: رشد.

-<https://dunyamikhailpoet.com/>

منابع لاتین

-Adler, Alfred (1925), **The Practice And Theory Of Individual Psychology**, Translated by: P.Radin, London: Broadway House.

- Adler, Alfred (1929), Problems Of Neurosis A Book Of Case-histories, London: Broadway House.
- Ansbacher, Heinz L. and Ansbacher Rowena. r, (1956), **The Individual Psychology of Alfred Adler – A Systematic Presentation In Selections From His Writings**; NEWYORK, BASIC BOOKS.

References

- Adler, Alfred (1996), Psychology of life: How do you live it? Translated: Abd al-Ali al-Jasmani, Beirut, Arab Scientific Publishers.
- Adler, Alfred (2005), understanding humanNature, Translated: Adel Naguib Bushri, Cairo, The Supreme Council for Culture.
- Adler, Alfred (2005), understanding humanNature, Translated: Tahereh Jawaher Saz, Tehran, Roshd.
- Adler, Alfred (2005), What Life Could Mean To You, Translated and Presented: Adel Naguib Bushri, Cairo, the Supreme Council of Culture.
- Afkhami Aqda, Reza and others (2016), "A psychological study of the personality of Antara according to Adler's theory", Journal of the Iranian Association for Arabic Language and Literature, No. 40, pp. 1-22.
- Ahmadian Hamid and Fahima Mirzaei (2012), "Psychology of the personality of Bashar Bin Bard through her biography and a selection of her poems", f Lisān-i mubīn, Third year, new period, number 8, pp. 1-18.
- Amiri, Jahangir and others (2014), "Psychological analysis of satires of Hotiye according to the theory of "Adler" and "Horney", Lisān-i mubīn, 7th year, new period, number 21, pp. 131-156.
- Arab, Abbas and Youssef Haq Panah, (2013), "Psychological analysis of Saalik's poems based on Adler's school", Arabic language and literature (Magazine of Mashhad Faculty of Literature and Humanities), number 5, volume: 3, pp. 115-144.
- Behnam Farsi and others (2016), "Inferiority complex in the novel " ما لا نذروه " based on Alfred Adler's theory", Iranian Association of Arabic Language and Literature, No. 45, pp. 113-140.
- Carol, Astad (2011), Theories of Counseling and Psychotherapy, Translated: Mehrdad Firouzbakht, Tehran, virayesh.
- Fist, Jess and Gregory Fist (2017), Personality theory, 8th Edition, Translated: Yahya Seyed Mohammadi, Tehran, Ravan.

- Johansen, Thor (2013). Religion and spirituality in psychotherapy and counseling: an Adlerian approach with an emphasis on psychotherapy and counseling with Muslims, Translated: Farid Barati Sadeh, Tehran, Roshd.
- Majidi, Hasan and others (2014), "Research and analysis of Ibn Rumi's personality based on Adler's Inferiority Feeling Theory", Lisān-i mubīn, 6th year, new period, number 20, pp. 166-139.
- Mansour, Mahmoud (1964), Inferiority Feeling, first Edition, Tehran, Asia Publishing Institute.
- Mikhail, Dunya(2020), the Bird Tattoo, Beirut, Dar Al-Rafidain.
- Ross, Alan O. (2006), Personality (Theories and Processes). Translated: Siavash Jamalfar, Tehran, Ravan.
- Saqal, Desiree and Al-Qazzi, Desiree (2013), Artistic Creativity and Psychological Analysis (Between the Psychological Study Approach and Clinical Analysis), Beirut, DarKetabat.
- Schaffer, Herbert (1972), "Psychology of Alfred Adler", Ali Mohammad Baradaran Rafiei, Magazine of Mashhad College of Literature and Human Sciences, 8th year, 1st issue, pp. 112-97.
- Schultz, Duane P. and Sydney Ellen Schultz (2021), Theories of Personality, 10th Edition, Translated: Yahya Seyed Mohammadi, Tehran, virayesh.

التحليل النفسي لشخصية "داعش" في رواية "وشم الطائر" وفقاً لنظرية ألفرد أدلر في الشخصية

مصطفى پارسايي پور^۱، ليلا صادقي نقدعلي^۲

^۱ أستاذ مساعد، قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة الإمام الخميني الدولية، قزوین، ایران.

^۲ طالبة الدكتوراه، قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة الإمام الخميني الدولية، قزوین، ایران.

معلومات المقالة الملخص

نوع المادة:

مقاله محکمة

تاريخ الوصول:

۱۴۰۲/۰۳/۰۵

تاريخ القبول:

۱۴۰۲/۰۸/۱۸

من بين علماء النفس الذين اهتموا بالشخصية هو عالم النفس النمساوي ألفرد أدلر، مؤسس مدرسة علم النفس الفردي. الفرق بين هذه النظرية والنظريات السابقة هو أن أدلر لا يعتبر الإنسان كوحدة منفصلة، بل يدرس شخصية الفرد المتأثر بالسياق الاجتماعي. الهدف الأساسي من هذا المقال هو تحليل شخصية "داعش" في رواية "وشم الطائر" لـ "دنيا ميخائيل" بناءً على النظرية المذكورة والاعتماد على المنهج الوصفي-التحليلي. وتشير أهم النتائج التي وصلت إليها الدراسة إلى أن أسلوب حياة داعش يندرج تحت الصنف الأول من الأساليب الأربعة التي اقترحها أدلر، أي "النوع المهيمن" ويفتقر إلى الاهتمام الاجتماعي. في الواقع، منهج داعش مع هذا النوع من الحياة على ما يبدو الحياة الإسلامية ودون الالتفات إلى الآخرين من أفراد المجتمع، بل بمهاجمتهم، يحاول الوصول إلى هدفه الأساسي وهو الخلافة الإسلامية. للشعور بالغيرة والحسد أو الخوف، وعدم التعاطف والاهتمام الاجتماعي مع الآخرين، والرغبة في العنف والتحرش، دورٌ في تكوين وتوسع تنظيم داعش الإرهابي، وهذا العنف والتمتع به يترقى من خلال استخدام وسائل الإعلام الجديدة والتدريب الرسمي والتنشئة الاجتماعية للقوى ويظهر أسلوب حياة حصرياً ومميزاً ناجماً عن خلفيات شخصياتهم.

الكلمات المفتاحية: نظرية الشخصية، ألفرد أدلر، داعش، رواية وشم الطائر، دنيا ميخائيل.

الاقتباس: پارسايي پور، مصطفى؛ صادقي نقدعلي، ليلا. (۱۴۰۳). التحليل النفسي لشخصية "داعش" في رواية "وشم الطائر" وفقاً لنظرية

ألفرد أدلر في الشخصية، السنة السادسة عشرة، الدورة الجديدة، العدد سبعة وخمسون، خريف ۱۴۰۳، ۴۴-۲۲.

المعرف الرقمي: 10.30479/Im.2023.18838.3548

الناشر: جامعة الإمام الخميني الدولية حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.

